رویش روان شناسی، سال۱۳، شماره ۴، شماره پیاپی۹۷، تیر ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(4), 2024

نقش میانجی شرم در رابطه سبک های والدگری و علائم شخصیت خودشیفته در دانشجویان

The mediating role of shame in the relationship between parenting styles and narcissistic personality symptoms in Students of university

دکتر تورج هاشمی (نویسنده مسئول)
استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
دکتر منصور بیرامی
استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
الهام نوذری
دکتری روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Dr. Touraj Hashemi*
Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational sciences and psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. *tourajhashemi@yahoo.com*
Dr. Mansour Bayrami
Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational science and psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
Elham Nozari
Ph.D Student of General psychology, Department of psychology, Faculty of Educational Science and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی شرم در رابطه سبک‌های والدگری و علائم شخصیت خودشیفته در دانشجویان بود. روش پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری را دانشجویان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل دادند. تعداد ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه شخصیت خودشیفته_۱۶ (NPI-16) آمز و همکاران (۲۰۰۶)، پرسشنامه اقتدار والدینی (PAQ) بوری (۱۹۹۱) و مقیاس شرم درونی شده (ISS) کوک (۱۹۹۳) بود. از تحلیل معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج بیانگر برازش مطلوب مدل پژوهش بود. نتایج بیانگر برازش مطلوب مدل پژوهش بود. یافته‌ها نشان داد که والدگری سهل‌گیر (P=۰/۰۱)، والدگری مستبد (P=۰/۰۰۴) و شرم (P=۰/۰۰۴) اثر مستقیم معناداری بر شخصیت خودشیفته دارند و والدگری سهل‌گیر (p=۰/۰۱) و مقتدر (P=۰/۰۰۳) نیز اثر مستقیم معناداری بر شرم دارند و فقط اثر مستقیم والدگری مستبد بر شرم معنادار نبود (P>۰/۰۵). والدگری سهل‌گیر (P=۰/۰۰۵) و مقتدر (P=۰/۰۰۲) اثر غیر مستقیم معناداری بر شخصیت خودشیفته داشتند، اما والدگری مقتدر اثرغیرمستقیم معناداری را نشان نداد (P>۰/۰۵). این نتایج نشان می‌دهد که شرم نقش میانجی معناداری در رابطه والدگری سهل‌گیر و مقتدر با علائم اختلال شخصیت خودشیفته در دانشجویان دارد.

واژه‌های کلیدی: *والدگری، شخصیت خودشیفته، شرم، دانشجویان.*

Abstract

The purpose of the present study was to investigate the mediating role of shame in the relationship between parenting styles and narcissistic personality symptoms in Students at university. The method of this study was descriptive-correlational using the structural equation modeling method. The statistical population consisted of students of Tabriz University in the academic year 2022-2023. 300 people were selected as a sample using the cluster sampling method. The research tools included the Narcissistic Personality Questionnaire-16 (NPI-16) by Ames et al. (2006), the Parental Authority Questionnaire (PAQ) by Bury (1991), and the Internalized Shame Scale (ISS) by Cook (1993). Structural equation analysis was used to analyze the data. The results showed the optimal fit of the research model. The results showed that permissive parenting (P=0.01), autocratic parenting (P=0.004), and shame (P=0.004) have a significant direct effect on narcissistic personality and permissive (p=0.01) and authoritative (p=0.003) parenting also have a significant direct effect on shame and only the direct effect of authoritarian parenting on Shame was not significant (P<0.05). Permissive (P=0.005) and authoritative (P=0.002) parenting had a significant indirect effect on narcissistic personality, but authoritative parenting did not show a significant indirect effect (P>0.05). These results show that shame has a significant mediating role in the relationship between permissive and authoritative parenting with symptoms of narcissistic personality disorder in university students.

Keywords: *Parenting, Narcissistic personality, Shame, Students.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : مهر ۱۴۰۲** | **پذیرش: آذر ۱۴۰۲** | **ویرایش نهایی: تیر ۱۴۰۳**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

مقدمه

اختلال‌های شخصیت در دانشجویان یکی از موضوعات اساسی مورد توجه پژوهشگران بوده و در این میان علائم اختلال شخصیت خودشیفته در حداقل یک سوم از دانشجویان وجود دارد (فیتریاوه و پرووکو[1]، ۲۰۱۸). طبق ویراست پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-۵)[2]، اختلال شخصیت خودشیفته الگوی خودبزرگ‌بینی، نیاز به تحسین و عدم همدلی است. اختلال شخصیت خودشیفته به شدت با سایر اختلالات در سلامت روان همراه است و افراد مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته اغلب ممکن است در حفظ کار و روابط خود دچار اختلال شوند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). از دیگر نشانه‌های اختلال شخصیت خودشیفته، استثمارگری، همدلی در معرض خطر و توهمات موفقیت نامحدود است (وینبرگ و رونینگستام[3]، ۲۰۲۰). شخصیت خودشیفته می‌تواند با عدم واقعیت-نگری و عدم انسجام هویت همراه گردد (یامدا[4] و همکاران، ۲۰۲۲). همبودی اختلال شخصیت خودشیفته با سایر اختلالات روانی و عوارض پزشکی، اجتماعی و روانپزشکی بالای آن، درک متغیرهای تبیین‌کننده آنرا به یک مسئله تبدیل کرده است (رانینگستام و وینبرگ[5]، ۲۰۲۳). در بحث سبب‌شناسی شخصیت خودشیفته بر تاریخچه رشدی افراد، به ویژه رفتارهای والدین تاکید شده است (استیل[6] و همکاران، ۲۰۱۹).

به نظر می‌رسد جنبه‌هایی از رفتار والدین مانند تجارب طرد، عدم اعتباربخشی، تحسین بیش از حد و سهل‌انگاری که بیانگر سبک‌های فرزندپروری است می‌تواند منجر به رشد شخصیت خودشیفته در فرزندان گردد (میترا و فلویائو[7]، ۲۰۲۰). فرزندپروری یک رفتار خاص است که والدین برای مراقبت، تربیت و آموزش فرزند خود، انتخاب می‌کنند. سبک‌های والدگری که مبتنی بر مراقبت از فرزند است در کنار سیستم‌های دلبستگی، معمولاً به طور همزمان فعال می‌شوند (دوینیتا و ماریا[8]، ۲۰۱۵). به طور کلی، سبک فرزندپروری به عنوان جو عاطفی که والدین در آن، فرزندان خود را تربیت می‌کنند، تعریف می‌شود (کوپنس و کولمنس[9]، ۲۰۱۹). بامریند[10] (۱۹۹۱) والدگری والدین را براساس دو بعد پاسخگویی و تقاضا، دسته‌بندی کرد و سه نوع مختلف از سبک‌های فرزندپروری را تعریف نمود: سبک مقتدرانه[11] (پاسخگویی و تقاضای بالا)، سبک مستبدانه[12] (پاسخگویی کم و تقاضای زیاد) و سبک سهل‌گیرانه (پاسخگویی بالا و تقاضای کم). بعد پاسخگویی به پاسخگو بودن والدین به نیازهای کودکان، میزان حمایت، گرمی و محبت والدین به فرزندان اشاره دارد.بعد تقاضا نیز نشان می‌دهد والدین، الزاماتی برای بلوغ و مسئولیت‌پذیری فرزندان خود دارند و قوانین و محدودیت‌هایی را برای فرزندانشان وضع و اعمال می‌کنند (اسمتانا[13]، ۲۰۱۷). شیوه‌های فرزندپروری مثبت شامل رفتارهای خاصی مانند صمیمیت و گشاده‌رویی و حمایت والدین، نظارت، میزان مشخصی از خودمختاری، در دسترس بودن، تعیین محدودیت‌ها و قوانین روشن همراه با نظم، انتظارات و کاربردهای بسته به سن فرزند است (ماتالینرس[14] و همکاران، ۲۰۱۹). در یکی دو دهه اخیر مطالعات مروری نشان داده است که فرزندپروری ناسازگار و منفی سهل‌گیرانه و مستبدانه که همراه با بدرفتاری، سوء استفاده و بی‌توجهی در دوران کودکی است یک عامل خطر روانی اجتماعی برای ایجاد اختلال‌های شخصیت مانند شخصیت خودشیفته است (استیل و همکاران، ۲۰۱۹).

اگر چه به نظر می‌رسد سبک‌های فرزندپروری به میزان قابل توجهی در اختلال‌های شخصیت نقش دارند، اما مسیرهای زیربنایی این ارتباط نامشخص است (کلیکایا[15] و همکاران، ۲۰۲۳). در همین رابطه به نظر می‌رسد که مسائلی همچون طرد، عدم اعتباربخشی و رفتارهای تحقیرکننده والدین، منجر به تولید شرم در افراد می‌گردد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۶). شرم به عنوان یک احساس اخلاقی، زمانی برانگیخته می‌شود که فرد رویدادی را ارزیابی کند و این ارزیابی چیزی معیوب و ناشایست را در فرد آشکار نماید که معمولاً منجر به ناراحتی، قطع

1 Fitriyah & Purwoko
2 Fifth Edition of Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5)
3 Weinberg & Ronningstam
4 Yamada
5 Ronningstam & Weinberg
6 Steele
7 Mitra & Fluyau
8 Doinita & Maria
9 Kuppens & Ceulemans
10 Baumrind
11 authoritative style
12 authoritarian style
13 Smetana
14 Matalinares-Calvet
15 Kılıçkaya

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

ارتباط و جدایی می‌شود (تانگنی و دیرینگ[1]، ۲۰۱۱). برای مثال در معرض دید قرار گرفتن می‌تواند شرم آور باشد، زیرا متأثر از روابط قبلی با والدین و افراد دیگر، یک هشدار وجود دارد که فرد نمی‌تواند منطبق با استانداردها و به صورت شایسته عمل کند (لو[2]، ۲۰۲۱). ادبیات کنونی بر اهمیت کیفیت والدگری در ساختار خاطرات آسیب‌زای شرم و تأثیر آن‌ها بر علائم آسیب‌شناسی روانی تأکید دارد (سولومون و جورج[3]، ۲۰۲۱). به عبارتی، خاطرات آسیب‌زای مبتنی بر نقص و عدم کفایتمندی در نتیجه تعامل با والدین، زمینه رشد شرم را در فرزندان فراهم می‌آورد و در بزرگسالی این شرم می‌تواند به صورت آسیب‌های روانی مانند اختلال شخصیت بروز کند (یاکلی[4]، ۲۰۱۸). نشان داده شده که که شرم میانجی کیفیت تعامل والد - فرزند با ویژگی‌های شخصیتی مانند پرخاشگری و صفات تاریک شخصیت است (خزاعی همکاران، ۱۴۰۰؛ امیری و جمالی، ۱۳۹۸). هاشمی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری والدین و احساس شرم و گناه در دانش‌آموزان رابطه دارند. در دیگر پژوهش‌ها نیز نشان داده شده که والدگری ناکارامد و همراه با کنترل روان-شناختی پیش‌بینی کننده شرم در فرزندان است (کایربای[5] و همکاران، ۲۰۱۹؛ صدیقمورنانی[6] و همکاران، ۲۰۲۱).

براساس پژوهش‌ها شیوع اختلال شخصیت خودشیفته در دانشجویان روند افزایشی نسبت به دهه‌های قبل داشته و شکل بحرانی به خود گرفته است (برایلوسکیا و بایرهوف[7]، ۲۰۲۰). این بحران از آن جهت است که درگیر شدن در رفتارهای خودشیفتگی می‌تواند دانشجویان را در تعاملات و وظایف اصلی زندگی مانند تحصیل با مخاطره روبرو کند (مکمانوس[8] و همکاران، ۲۰۲۲). برهمین اساس بررسی مدل‌های تبیین‌کننده این اختلال شخصیت در دانشجویان، برای تهیه مداخله‌ها و آموزش‌های کارآمد و اثربخش ضروری به نظر می‌رسد. این امر در جامعه دانشجویان ایرانی نیز از اهمیت و ضرورت دو چندان برخورد است، چرا که نشان داده شده است که از میان اختلال‌های شخصیت، شخصیت خودشیفته بیشترین شیوع را در دانشجویان ایرانی دارد (رسول‌زاده و فهمی، ۱۳۹۷). ادبیات موجود به ویژه با توجه به نظریه‌های روان‌پویشی و روابط بین‌فردی، در بحث سبب‌شناسی این اختلال بر تاریخچه رشدی افراد تاکید دارد (میترا و فلویائو، ۲۰۲۰). در همین رابطه الگوهای والدگری از بارزترین متغیرهای مرتبط با تاریخچه رشدی است که با شخصیت خودشیفته مرتبط دانسته شده است (استیل و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به اینکه این متغیرها در جریان رشد کودکی تحیکم شده‌اند و اثرات همه جانبه‌ای را بر سازمان روانی افراد وارد کرده‌اند، بنابراین احتمالاً به صورت پویا و به واسطه دیگر متغیرها که حکم مکانیزم‌های اثرگذاری آن را دارند، بر خودشیفتگی اثر می‌گذارند (دونیتا و ماریا[9]، ۲۰۱۵). برهمین اساس ارائه مدل‌های ساختاری برای شناسایی این مسیرها ضروری به نظر می‌رسد. در همین رابطه به نظر می‌رسد که تجربه شرم یکی از متغیرهای تـأثیرپذیر از والدگری است که اثرات منفی در آسیب‌پذیری روانی افراد خودشیفته دارد و ارائه مدل‌های در جهت عوامل اثرگذار بر شرم و نقش شرم در اختلال شخصت خودشیفته می‌تواند زمینه رشد مداخله‌های مبتنی بر بهبود شرم را در افراد با اختلال شخصیت خودشیفته فراهم آورد (گامبین و شارپ[10]، ۲۰۱۸).

در مجموع و با توجه به آنچه که گفته شد، به نظر می‌رسد که اختلال شخصیت خودشیفته شیوع نسبتاً بالایی در دانشجویان دارد که باعث اختلال در زندگی روزمره و زندگی تحصیلی آنها شده است. بر همین اساس، شناسایی متغیرهای مرتبط و تبیین کننده آن یک مسئله اساسی به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه در ادبیات پژوهشی صورت گرفته بر نقش تاریخچه رشدی افراد در بروز نشانه‌های اختلال شخصیت خودشیفته تأکید شده است، بر همین اساس متغیر سبک والدگری می‌توانند متغیرهای زیربنایی و تبیین‌کننده باشند. با این وجود مسیرها و مکانیزم‌های اثرگذاری این متغیر بر اختلال شخصیت خودشیفته چندان روشن نیست. بنابراین ارائه یک مدل ساختاری مبتنی بر ریشه‌های آسیب‌پذیری شخصیت خودشیفته، احتمالاً بتواند به درک مکانیزهای اثرگذار و مرتبط با خودشیفتگی دانشجویان کمک نماید و روان‌شناسان بر پایه شناخت بدست آمده بتوانند در مراکز روان‌شناختی دانشگاه‌ها مداخله‌های کارآمدی را در جهت بهبود دانشجویان خودشیفته انتخاب کنند. در همین راستا و در جهت رفع این خلاء پژوهشی، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی شرم در رابطه سبک‌های والدگری و علائم شخصیت خودشیفته در دانشجویان بود.

1 Tangney & Dearing
2 Low
3 Solomon & George
4 Yakeley
5 Kirby
6 Sedighimornani
7 Brailovskaia & Bierhoff
8 McManus
9 Doinita & Maria
10 Gambin & Sharp

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

روش

پژوهش حاضر توصیفی – همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانشجویان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. حجم نمونه لازم با توجه به پیشنهادات گارور و منتزر[1] (۱۹۹۹) حداقل ۲۰۰ نفر است. با در نظر گرفتن این ملاک تعداد ۳۰۰ دانشجو به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای بود. بدین صورت که ۸ دانشکده در ابتدا به صورت تصادفی از میان دانشکده‌های دانشگاه تبریز انتخاب شدند و سپس از هر دانشکده ۲ کلاس به تصادف انتخاب گردید و دانشجویان به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. لازم به ذکر است که قبل از پاسخگویی، توضیحاتی پیرامون هدف پژوهش و شرایط شرکت در پژوهش ارائه شد. فرآیند نمونه‌گیری تا رسیدن به تعداد نمونه لازم و معرفی شده برای انجام پژوهش ادامه یافت. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: رضایت آگاهانه از شرکت در پژوهش، عدم ابتلا به اختلال روان‌شناختی و جسمی حاد (طبق اظهار نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش)، عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی، عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی و دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال. همچنین عدم پاسخگویی به حداقل ۵ درصد از سوالات پرسشنامه‌ها و درخواست خروج از پژوهش حین پاسخگویی به پرسشنامه‌ها ملاک‌های خروج از پژوهش بودند. لازم به ذکر است که از جمله ملاحظات اخلاقی مورد توجه شامل اختیاری بودن شرکت در پژوهش و محرمانه نگه داشتن اطلاعات شرکت‌کنندگان بود. همچنین پژوهش حاضر با شناسه اخلاق IR.TABRIZU.REC.1402.015 در دانشگاه تبریز مصوب گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری و دو نرم افزار تحلیل آماری SPSS نسخه ۲۵ و AMOS نسخه ۲۴ صورت گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه شخصیت خودشیفته – ۱۶ (NPI-16)[2]: این پرسشنامه توسط آمز[3] و همکاران (۲۰۰۶) ساخته شده است، دارای ۱۶ جفت عبارت بوده و هدف آن سنجش ویژگی های شخصیت خودشیفته است. طیف پاسخگویی آن بدین صورت است که متشکل از جفت گویه‌هایی است که پاسخ دهنده باید یکی از آنها را انتخاب نماید. برای هر سوال انتخاب شده از ردیف الف ۱ امتیاز و برای هر سوال انتخاب شده از ردیف ب ۰ امتیاز در نظر گرفته می‌شود. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سوالات با هم جمع می‌شوند. این امتیاز دامنه ای از ۰ تا ۱۶ را خواهد داشت. امتیاز بالاتر بیانگر خودشیفتگی بالاتر فرد خواهد بود و برعکس. به عنوان یک نقطه برش، امتیاز ۸ به بالا بیانگر شخصیت خودشیفته در فرد است. سازندگان شاخص روایی همگرایی این پرسشنامه را با ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و گشودگی به تجربه برابر با ۰/۳۲ و ۰/۴۱ و مقدار پایایی پرسشنامه را به روش بازآزمایی با فاصله ۵ هفته ۰/۸۵ گزارش داده‌اند. محمدزاده (۱۳۸۸) ضریب همبستگی نمرات پرسشنامۀ شخصیت خودشیفته NΠI–16 و مقیاس خودشیفتگی آزمون میلون را ۰/۷۷ گزارش کرده است. ضریب پایایی بازآزمایی با فاصله دو هفته و ضریب همبستگی در تعیین پایایی تنصیفی به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۷۴ محاسبه شد. در پژوهش حاضر مقدار پایایی آزمون به روش کودر ریچاردسون ۰/۸۹ بدست آمد.

پرسشنامه اقتدار والدینی (PAQ)[4]: پرسشنامه اقتدار والدینی توسط بوری[5] (۱۹۹۱) ساخته شده است که از ۳۰ گویه و ۳ خرده مقیاس سبک آسان گیر، سبک مستبدانه (و والدین سبک مقتدرانه تشکیل شده است که به منظور سنجش اقتدار والدین به کار می‌رود. نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های «شدیداً مخالف»، «مخالف»، «بی تفاوت»، «موافق» و «شدیداً موافق» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می‌شود. بوری (۱۹۹۱) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای سبک مقتدر منطقی ۰/۸۵، سبک مستبدانه ۰/۸۷ و آسان گیر ۰/۷۴ گزارش نموده است و برای مشخص کردن روایی پرسشنامه از روش روایی افتراقی استفاده نموده و نتایج آن بدین صورت بود که سبک آمرانه مادر با سبک سهل گیر مادر رابطه معکوس (ρ=-۰/۳۸)، سبک آمرانه پدر با سبک سهل گیر پدر رابطه معکوس (۰/۵۰-)، سبک آمرانه مادر با سبک اقتداری مادر رابطه معکوس (ρ=-۰/۴۸)، سبک آمرانه پدر با سبک اقتداری پدر رابطه معکوس (ρ=-۰/۵۲) معناداری داشت. لازم به ذکر است که فرم‌های پدر و مادر به جز با اشاره‌های مناسب به واژه پدر یا مادر یکسان هستند. ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه در ایران توسط مبینی و همکاران (۱۳۹۶) مورد بررسی قرار گرفته است. مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای خرده مقیاس‌ها بالای ۰/۷۳ و مقدار روایی همگرای پرسشنامه با پرسشنامه شیوع ادراک

1 Garver & Mentzer
2 Narcissistic Personality Inventory-16 (NPI-16)
3 Ames
4 Parental authority questionnaire (PAQ)
5 Buri

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

والدینی ρ=۰/۳۹ بدست آمد. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ برای برای سبک سهل‌گیر ۰/۷۸، برای سبک مستبدانه ۰/۸۳ و برای سبک مقتدارانه ۰/۸۲ بدست آمد.

مقیاس شرم درونی شده[1] (ISS): مقیاس شرم درونی توسط کوک[2] در سال ۱۹۹۳ تهیه شده است. این مقیاس شامل ۳۰ سوال است و پاسخگویی به آن براساس لیکرت ۵ گزینه ای است (هرگز = ۰ تا همیشه = ۴). نمرهای بالا در این مقیاس نشان دهنده بی‌ارزش، بی کفایتی، احساس حقارت، پوچی و تنهایی است و نمره پایین نشان دهنده اعتماد به نفس است. کوک (۱۹۹۳) ضمن تأیید روایی سازه ساختار دو عاملی مقیاس، پایایی آن را نیز به روش آلفای کرونباخ بررسی کرده و برای مقیاس‌های کمرویی و عزت نفس به ترتیب مقادیر ۰/۹۴ و ۰/۹۰ را گزارش کرده است. رجبی و عباسی (۱۳۹۴) ضمن تایید روایی محتوایی مطلوب و بالا ۰/۷۳ برای گویه‌ها، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ الی ۰/۹۱ را در نمونه‌هایی از مردان و زنان گزارش کرده است. همچنین این نویسندگان با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی ساختار دو عاملی آن را تأیید کرده‌اند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۸۸ بدست آمد.

یافته ها

از ۳۰۰ نفر شرکت‌کننده در پژوهش ۱۷۹ نفر (۵۹/۷۰ درصد) زن و ۱۲۱ نفر (۴۰/۳۰ درصد) مرد شغل بودند. همچنین ۱۵۹ (۵۳ درصد) نفر از نمونه مورد مطالعه دانشجوی کارشناسی، ۹۳ نفر (۳۱ درصد) کارشناسی ارشد، ۱۹ نفر (۶/۳۰ درصد) دکتری و ۲۹ نفر (۹/۷۰) کاردانی بودند. همچنین ۱۷۴ نفر (۵۸ درصد) مجرد و ۱۲۶ نفر (۴۲ درصد) متاهل بودند. در نهایت میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان در پژوهش به ترتیب ۳۰/۷۷ و ۱۰/۷۰ بود. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی به همراه ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج شاخص‌های توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه متغیرها

متغیر		۱	۲	۳	۴	۵
والدگری	۱-سهل‌گیر	۱				
	۲-مستبد	-۰/۲۰**	۱			
	۳-مقتدر	۰/۴۱**	-۰/۲۱**	۱		
۴- شرم		-۰/۴۳**	۰/۲۲**	-۰/۲۹**	۱	
۵- شخصیت خودشیفته		۰/۳۶**	-۰/۲۳**	۰/۱۹**	۰/۴۰**	۱
	میانگین	۳۶/۳۸	۴۰/۲۴	۳۹/۸۰	۴۲/۰۱	۶/۴۸
	انحراف معیار	۹/۴۵	۵/۵۰	۳/۳۴	۲۰/۸۱	۴/۷۱
	کجی	-۱/۳۲	-۱/۲۳	-۰/۷۶	۰/۷۱	۰/۳۲
	کشیدکی	۰/۸۹	۱/۸۹	۱/۳۲	-۰/۲۱	-۱/۲۳

*P<۰/۰۵ و **P<۰/۰۱

نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان داد که شخصیت خودشیفته با سبک سهل‌گیر و مقتدر و احساس شرم رابطه مثبت و معناداری (P<۰/۰۱) و با سبک مستبد رابطه منفی و معناداری دارد (P<۰/۰۱). همچنین شرم سبک‌های سهل‌گیر و مقتدر رابطه منفی معنادار و با سبک مستبد رابطه مثبت معناداری دارد (P<۰/۰۱).

با توجه به اینکه شاخص کجی و کشیدگی بدست آمده برای متغیرهای پژوهش در جدول ۱ همگی در محدوده ۲+ تا ۲- قرار دارند، بنابراین شکل توزیع متغیرها در شرایط تقریبا نرمالی قرار دارند. علاوه بر مقادیر گزارش شده در جدول ۱، مقادیر آماره تحمل برای متغیرها بیشتر از ۰/۴۰ و همچنین مقادیر آماره VIF کم‌تر از ۱۰ بود، بنابراین هم خطی میان متغیرهای پیش بین پژوهش نگران کننده نبود. همچنین مقدار بدست آمده برای آزمون دوربین واتسون برابر با ۱/۸۳ بود و بین مقدار مناسب ۱/۵ الی ۲/۵ قرار داشتت، بنابراین می‌توان گفت که فرض استقلال مقادیر خطا نیز از یکدیگر رعایت شده است. در شکل ۱ مدل برازش شده پژوهش ارائه شده است.

1 internal shame scale
2 Cook

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

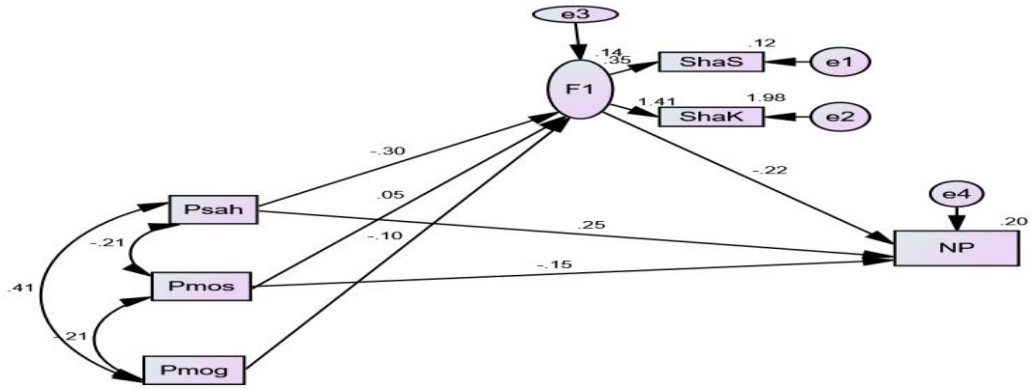

شکل ۱. نگاره مدل برازش شده پژوهش در حالت استاندارد

پی‌نوشت: NP = شخصیت خودشیفته، Psah= والدگری سهل‌گیر، Pmos= والدگری مستبد، Pmog= والدگری مقتدر، F1= شرم، ShaS= عزت نفس و Shak= خجالت

در شکل ۱ مدل ساختاری پژوهش به صورت بررسی نقش میانجی شرم در رابطه میان سبک‌های والدگری و علائم شخصیت خودشیفته در محیط نرم‌افزار AMOS به همراه ضرایب مسیر آن رائه شده است. در این مدل، دو مولفه متغیر شرم (عزت نفس و خجالت) نقش متغیر میانجی، سه سبک والدگری نقش متغیر برون‌زا (مستقل) و متغیر علائم شخصیت خودشینه نیز نقش متغیر درون‌زا (وابسته) را دارد لازم به ذکر است که اثرات مستقیم والدگری مقتدر بر شخصیت خودشیفته به دلیل عدم معناداری جهت بهبود شاخص‌های برازندگی از مدل کنار گذاشته شده‌اند. در جدول ۲ معناداری ضریب مسیرهای مستقیم مدل ارائه شده پژوهش بررسی شده است.

جدول ۲. نتایج اثرات مستقیم مدل پژوهش

مسیر	اندازه اثر غیر استاندارد	اندازه اثر استاندارد	حد پایین	حد بالا	مقدار تی	P
اثر مستقیم والدگری سهل‌گیر بر شخصیت خودشیفته	۰/۱۲	۰/۲۵	۰/۱۵	۰/۳۵	۴/۰۲	۰/۰۱
اثر مستقیم والدگری مستبد بر شخصیت خودشیفته	-۰/۱۳	-۰/۱۵	-۰/۲۵	-۰/۰۶	-۲/۷۹	۰/۰۰۴
اثر مستقیم والدگری سهل‌گیر بر شرم	-۰/۰۵	-۰/۳۰	-۰/۳۹	-۰/۲۰	-۲/۵۸	۰/۰۱
اثر مستقیم والدگری مستبد بر شرم	۰/۰۱	۰/۰۵	-۰/۰۲	۰/۱۵	۱/۱۷	۰/۲۰
اثر مستقیم والدگری مقتدر بر شرم	-۰/۰۵	-۰/۱۰	-۰/۲۰	-۰/۰۵	۱/۹۳	۰/۰۰۳
اثر مستقیم شرم بر شخصیت خودشیفته	-۰/۶۹	-۰/۲۲	-۰/۳۶	-۰/۱۴	-۴/۸۲	۰/۰۰۲

نتایج بدست آمده از جدول ۲ نشان داد که والدگری سهل‌گیری، والدگری مستبد و شرم به ترتیب با اندازه اثرهای ۰/۲۵ (P=۰/۰۱)، ۰/۱۵ (P=۰/۰۰۴) و ۰/۲۲- (P=۰/۰۰۲) اثر مستقیم معناداری بر شخصیت خودشیفته دارند، و والدگری سهل‌گیر و مقتدر نیز به ترتیب با اندازه اثرهای استاندارد ۰/۳۰- (p=۰/۰۱) و ۰/۱۰ - (P=۰/۰۰۳) اثر مستقیم معناداری بر شرم دارند و فقط اثر مستقیم والدگری مستبد بر شرم معنادار نبود (P>۰/۰۵).

جدول ۳. نتایج آزمون بوت استراپ جهت بررسی نقش میانجی شرم در رابطه سبک‌های والدگری و شخصیت خودشیفته دانشجویان

مسیر		اندازه اثر غیر استاندارد	اندازه اثر استاندارد	حد پایین	حد بالا	P
والدگری	سهل‌گیر_شرم _ شخصیت خودشیفته	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۱۲	۰/۰۰۵
	مستبد_ شرم _ شخصیت خودشیفته	-۰/۰۰۹	-۰/۰۱	-۰/۰۴	۰/۰۰۱	۰/۱۴
	مقتدر_ شرم _ شخصیت خودشیفته	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۰۹	۰/۰۷	۰/۰۰۲

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

نتایج بدست آمده از آزمون بوت استراپ در جدول ۳ نشان داد که والدگری سهل‌گیر و مقتدر به ترتیب با اندازه اثر استاندارده شده ۰/۰۷ (P=۰/۰۰۵) و ۰/۰۲ (P=۰/۰۰۲) اثر غیر مستقیم معناداری بر شخصیت خودشیفته دارند، اما والدگری مقتدر با اندازه اثر استاندارده شده ۰/۰۱ -اثرغیرمستقیم معناداری را نشان نداد (P>۰/۰۵). در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده پژوهش ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص های برازش مدل پژوهش

شاخص	χ^2/df	RMSEA	NFI	IFI	CFI	GFI	AGFI
ملاک برازش	≤۳	≤۰/۰۸	≥۰/۹۰	≥۰/۹۰	≥۰/۹۰	≥۰/۹۰	≥۰/۹۰
آمارۀ پژوهش حاضر	۲/۷۱	۰/۰۸	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۴

برای برازندگی مدل هر مقدار شاخص برازندگی تقسیم x^2 بر درجه آزادی کوچکتر از ۳ باشد، برازندگی مدل بهتر است. مقدار بدست آمده در پژوهش حاضر ۲/۷۱ بود که حاکی از برازش تقریبی مدل بود. همچنین به طور کلی هرچه مقدار IFI، CFI، GFI و AGFI به یک نزدیکر باشد و برابر و یا بالاتر از ۰/۹۰ باشد، حاکی از برازش مطلوب مدل دارد. با توجه به اینکه مقادیر بدست آمده برای چهار شاخص ذکر شده به در پژوهش حاضر بالاتر از۰/۹۰ بوده، بنابراین بر اساس این شاخص‌ها مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد. برای شاخص RAMSEA نیز مقدار ۰/۰۶ تا ۰/۰۸ بیانگر برازش مطلوب است که برای مدل پژوهش حاضر برابر با ۰/۰۸ بود. به طور کلی نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقدار بدست آمده برای شاخص‌های برازش در سطح بسیار مطلوبی قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی شرم در رابطه سبک‌های والدگری و علائم شخصیت خودشیفته در دانشجویان بود. نتایج نشان داد که به غیر از سبک والدگری مقتدر، اثر مستقیم والدگری سهل‌گیر و والدگری مستبد بر شخصیت خودشیفته معنادار بود. این یافته با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های ون‌شی[1] و همکاران (۲۰۲۰)، سلیمانی و همکاران (۲۰۲۲)، گئو و همکاران (۲۰۲۳) و پینکوس[2] (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین یافته بدست آمده می‌توان گفت که مطابق با مدل ابعاد خودشیفتگی نیز ارجاع بیش از حد به دیگران برای تعریف خود و تنظیم عزت نفس عامل آسیب‌پذیری در برابر خودشیفتگی است. همچنین هدف گذاری بر اساس جلب رضایت دیگران است (وینبرگ و رونینگستام، ۲۰۲۰). این در حالی است که والدگری سهل‌گیری با آزاد گذاشتن کودکان و اعمال کمترین کنترل تلاشی در جهت تنظیم عزت نفس کودک با توجه به دستورات والدین را ندارد. به عبارتی دیگر این احتمال وجود دارد که در والدگری سهیل‌گیر توانایی خودتنظیمی کودک پیرامون عزت نفس خود منجر به این شده باشد که فرد خودش را بدون نظر و دیدگاه دیگران تنظیم کند. عدم اهمیت دادن به دیگران و نگاه صرف به خود احتمالا منجر به رشد بزرگ‌منشی و برتری‌جوی می‌گردد. از سوی دیگر والدگری مستبد با سرکوب عقاید و ارزش فردی و وابسته کردن فرد به تایید دیگران عملا فرصت بزرگ‌منشی و برتری جویی را از بین می‌برد. به عبارتی فرد در طول رشد خود یاد گرفته ارزش و اهمیت وی صرفا وابسته به دیگران است و شایستگی و بزرگ‌منشی در وی وجود ندارد. به نظر عوامل رشدی مانند ارزش‌گذاری بیش از حد و فقدان گرما در خانواده، قالب‌گیری کودک بر اساس خواسته‌های والدین، والدین طردکننده و در دسترس نبودن والدین آسیب‌پذیر است (ادی[3]، ۲۰۲۳). در چنین شرایطی والدگری سهل‌گیر و مستبد با توجه به اینکه خودارزشمندی و ادراک شایستگی دانشجویان را تحت تاثیر قرار می‌دهند، احتمالا بر خودشیفتگی دانشجویان اثر دارند.

همچنین نتایج بیانگر اثر مستقیم معنادار شرم بر شخصیت خودشیفته بود. این یافته با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های داوود و پینکوس[4] (۲۰۱۸)، فیرمستاد – نول[5] و همکاران (۲۰۲۰) و رونینگستام و وینبرگ (۲۰۲۳) همسو بود. در تبیین یافته بدست آمده می‌توان گفت که احساس شرم معمولا با رفتارها و هیجان‌هاس خودکم‌بینی و انگیزه جبران اجتماعی مانند فروتنی همراه است (ترکمن ملایری و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۸). بنابراین می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که در نمونه‌های غیربالینی مانند جمعیت مورد مطالعه در پژوهش

1 van Schie
2 Gao
3 Eddy
4 Dawood & Pincus
5 Fjermestad-Noll

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

حاضر شرم با توجه به اینکه مبتنی بر احساس عدم ارزشمندی فردی و احترام به گروه و اجتماع برای سرپوش نهادن بر احساس خودکم‌بینی است، احتمالا با کاهش تمایلات خودشیفتگی همراه است. وقتی افراد با سطوح بالاتری از ویژگی‌های خودشیفتگی آسیب‌پذیر انتظاراتشان برآورده نمی‌شود، تمایل دارند با عدم درگیری رفتاری واکنش نشان دهند؛ یعنی با دست کشیدن از تلاش‌های رفتاری برای رسیدن به اهداف (کلیکایا و همکاران، ۲۰۲۳). می‌توان این احتمال را داد که شرم با منفعل کردن اقدامات برتری طلبی شخصی و بزرگ‌منشی احتمالا با کاهش خودشیفتگی همراه شده باشد.

در نهایت نتایج نشان داد که والدگری سهل‌گیر و مقتدر به واسطه نقش میانجی شرم اثر غیر مستقیم معناداری بر شخصیت خودشیفته دارند، اما والدگری مقتدر اثرغیرمستقیم معناداری را نشان نداد. این یافته با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های خزاعی همکاران (۱۴۰۰)، امیری و جمالی (۱۳۹۸)، هاشمی و همکاران (۱۳۹۶)، کایربای و همکاران (۲۰۱۹) و صدیقمورنانی و همکاران (۲۰۲۱) همسو بود. در تبیین یافته بدست می‌توان گفت که خودشیفتگی بیمارگونه ممکن است زمانی مشاهده شود که افراد جوان در تلاش برای ایجاد روابط واقعی هستند و به سختی به یک خود ایده آل افراطی پایبند هستند. خودهای مثبت و در عین حال شکننده ممکن است منشأ خود را در دوران کودکی با مراقبت بیش از حد و ارزش گذاری بیش از حد والدین مرتبط با ویژگی های خودشیفتگی بزرگ‌نما و آسیب‌پذیر داشته باشند (ون‌شی و همکاران، ۲۰۲۰). این محیط فرزندپروری ممکن است منجر به وابستگی جوانان به دیگران برای بازخورد و راهنمایی شود تا دیدگاه مثبت خود را حفظ کند (سلیمانی و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین می‌توان گفت که کیفیت و چگونگی والدگری رشدیافته که بر احساس ارزشمندی دانشجویان در روابط اثرگذار است، احتمالا سنگ‌بنای تمایلات خودشیفتگی در دانشجویان است. احساس ارزشمندی و بهبود خودتظیمی که در والدگری سهل‌گیر و مستبد مورد توجه قرار نمی‌گیرد احتمالا سنگ بنای احساس شرم باشد. چرا که سبک‌های والدگری با تعیین انتظارات دیگران، قوانین اجتماعی و اخلاقی و درونی کردن آنها زمینه بروز احساس شرم ناشی از عدم برآورده شده این انتظارات و قوانین را فرآهم می‌کند. به عبارتی دیگر انتظارات والدین به عنوان یک منبع ارزیابی درونی می‌تواند احساس شرم را برانگیزاند. اگر افراد عقیده داشته باشند که دیگران نسبت به خود و رفتارهایشان دیدگاه منفی دارند، به احتمال زیاد احساس شرم خواهند کرد. نقش شرم در کنترل روانشناختی و سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد تا حدودی مورد بررسی و تایید قرار گرفته است (گئو و همکاران، ۲۰۲۳). سطوح بالاتر شرم، ناراحتی روانی و خصومت بیشتری را به همراه دارد و سرکوب عاطفی واسطه تأثیر شرم بر پریشانی روانی است (ولوتی و همکاران، ۲۰۱۷). بر همین اساس می‌توان گفت که تجربه شرم با توجه به اینکه خودآگاه است و همراه با جهت‌دهی انرژی روانی به سمت خصومت و تجربه پریشانی است، احتمالا ظرفیت خودتنظیمی را کاهش داده و منجر به بروز علائم اختلال خوشیفتگی گردد. باید توجه کرد که اختلال شخصیت خودشیفتگی با پردازش شناختی اجتنابی و طردکننده و استفاده از زبان برای خودتنظیمی و نه برای برقراری ارتباط مرتبط است (کلیکایا و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین می‌توان این احتمال را داد که یک محیط والدگری طرد کننده و عاری از توجه مثبت احتمالا زمینه رشد تمایلات خودشیفتگی را فرآهم کرده باشد. این اثرگذاری می‌تواند به واسطه شرم باشد، چرا که افراد انتظارات دیگران، قوانین اجتماعی و اخلاقی را که توسط دیگران تعریف می‌شوند، درونی می‌کنند و بر اساس آن خود و اعمالشان را ارزیابی می‌کنند.

در مجموع نتایج بدست آمده نشان داد که احساس شرم به همراه والدگری سهل‌گیر و والدگری مستبد اثر مستقیم و معناداری بر علائم شخصیت خودشیفته در دانشجویان دارد. بررسی اثرات میانجی نیز نشان داد که والدگری سهل‌گیر و مقتدر اثر به واسطه شرم بر علائم شخصیت خودشیفته اثر غیرمستقیم معناداری دارند. این نتایج نشان می‌دهد که والدگری سهل‌گیر و مقتدر اثر پویایی بر شخصیت خودشیفته دارد که شاید در ارزیابی‌ها اولیه چندان مشخص نباشد و به واسطه مکانیزم‌هایی نظیر شرم بر شخصیت خودشیفته دانشجویان اثر می‌گذارد. بنابراین نیاز است که متخصصان روان‌شناسی این حوزه به نقش والدگری سهل‌گیر و مقتدر با تاکید بر اهمیت احساس شرم در علائم اختلال شخصیت خودشیفته در دانشجویان توجه نمایند.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که پرسشنامه استفاده شده برای اندازه‌گیری شرم، مربوط به شرم بیرونی بود، بنابراین عدم اندازه‌گیری شرم درونی یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. محدودیت دیگر پژوهش حاضر نیز به این مورد برمی‌گشت که نمونه مورد مطالعه لزوما تشخیص اختلال خودشیفتگی را دریافت نمی‌کردند و پژوهش حاضر فقط نشانه‌های اختلال وحشت‌زدگی را مورد بررسی قرار می‌داد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه ضمن استفاده از ابزارهایی جهت بررسی شرم درونی، در نمونه‌ای از جمعیت کم‌سواد و همین‌طور افراد مبتلا به اختلال وحشت‌زدگی نیز صورت گیرد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

منابع

امیری، س. و جمالی، ی. (۱۳۹۸). بررسی نقش میانجی‌گری همدلی و تنظیم هیجانی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی با صفات تاریک شخصیت در نوجوانان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۲۵ (۳)، ۲۹۲-۳۰۷. 10.32598/ijpcp.25.3.292

ترکمن ملایری، م. و شیخ‌الاسلامی، ر. (۱۳۹۸). همدلی و رفتارهای جامعه‌پسند: نقش واسطه‌ای هیجان‌های اخلاقی. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۵(۵۹)، ۲۶۱-۲۷۲. 10.22067/ijap.v1i2.9837

خزاعی، س؛ نوابی‌نژاد، ش؛ فرزاد، و. و زهراکار، ک. (۱۴۰۰). نقش میانجی احساس شرم و گناه در رابطه سبک‌های دلبستگی با پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۱۵ (۱)، ۳۴-۵۱. http://rph.khu.ac.ir/article-1-3819-fa.html

رجبی، غ. و عباسی، ق. (۱۳۹۰). بررسی رابطه خود انتقادی، اضطراب اجتماعی و ترس از شکست با کمرویی در دانشجویان. *پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره*، ۱(۲)، ۱۷۱-۱۸۲. 10.22067/ijap.v1i2.9837

رسول زاده، ح. و فهمی، م. (۱۳۹۷). *بررسی میزان شیوع اختلالات شخصیت در دانشجویان دانشگا های شهرستان شبستر*. هفتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران؛ تهران.

مبینی، ش، قنبری پناه، ا، و مدنی پور، ن. (۱۳۹۶). *ویژگی های روانسنجی مقیاس ادراک شیوه والدینی و رابطه آن با اقتدار والدین*. کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی، تربیتی، علوم انسانی و روانشناسی؛ تهران.

محمدزاده، ع. (۱۳۸۸). اعتبارسنجی پرسشنامه ی شخصیت خودشیفته (NPI-16) در جامعه ی ایرانی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۱(۴۴)، ۸۱-۲۷۴. 10.22038/jfmh.2009.1131

هاشمی، س؛ درتاج، ف؛ سعدی پور، ا. و اسدزاده، ح. (۱۳۹۶). الگوی ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین: نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱(۱)، ۴۷۵-۴۹۳. 20.1001.1.20084331.1396.11.1.1.8

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 5th ed*. American Psychiatric Association, Washington, DC.

Ames, D. R., Rose, P., & Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of research in personality*, *40*(4), 440-450. https://doi.org/10.1016/j.jrp.2005.03.002

Baumrind, D. (1991). Parenting styles and adolescent development. In J. *Brooks-Gunn, R. Lerner, A.C. Peterson (Eds.), The encyclopaedia of adolescence* (746-758). New York: Garlan.

Brailovskaia, J., & Bierhoff, H. W. (2020). The narcissistic millennial generation: A study of personality traits and online behavior on Facebook. *Journal of Adult Development*, *27*(1), 23-35. https://doi.org/10.1007/s10804-018-9321-1.

Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of personality assessment*, *57*(1), 110-119. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5701_13

Cook, D. R. (1993). *The internalized shame scale manual*. Menomonie. WI: Channel Press.

Dawood, S., & Pincus, A. L. (2018). Pathological narcissism and the severity, variability, and instability of depressive symptoms. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, *9*(2), 144–154. https://doi.org/10.1037/per0000239

Doinita, N. E., & Maria, N. D. (2015). Attachment and parenting styles. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *203*, 199-204. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.08.282

Eddy, C. M. (2023). Self-serving social strategies: A systematic review of social cognition in narcissism. *Current Psychology*, *42*(6), 4362-4380. https://doi.org/10.1007/s12144-021-01661-3.

Fitriyah, F., & Purwoko, B. (2018, February). Youth narcissistic and aggression: A challenge for guidance and counseling service in university. In *1st International Conference on Education Innovation (ICEI 2017)* (pp. 109-111). Atlantis Press.

Fjermestad-Noll, J., Ronningstam, E., Bach, B., Storebø, O. J., Rosenbaum, B., & Simonsen, E. (2020). Psychotherapeutic treatment of depressive symptoms in patients with narcissistic disturbances: a review. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, *50*, 21-28. https://doi.org/10.1007/s10879-019-09437-4.

Gao, S., Yu, D., Assink, M., Chan, K. L., Zhang, L., & Meng, X. (2023). The association between child maltreatment and pathological narcissism: a three-level meta-analytic review. *Trauma, Violence, & Abuse*, 15(2), 48-58. https://doi.org/10.1177/15248380221147559

Garver, M. S., & Mentzer, J. T. (1999). Logistics research methods: employing structural equation modeling to test for construct validity. *Journal of business logistics*, *20*(1), 33. https://doi.org/10.1002/j.2158-1592.2008.tb00094.x

Gambin, M., & Sharp, C. (2018). The relations between empathy, guilt, shame and depression in inpatient adolescents. *Journal of Affective Disorders*, *241*, 381-387. https://doi.org/10.1016/j.jad.2018.08.068

Kılıçkaya, S., Ucar, N., & Denizci Nazlıgül, M. (2023). A systematic review of the association between parenting styles and narcissism in young adults: From Baumrind's perspective. *Psychological Reports*, *126*(2), 620-640. https://doi.org/10.1177/00332941211041010

Kirby, J. N., Sampson, H., Day, J., Hayes, A., & Gilbert, P. (2019). Human evolution and culture in relationship to shame in the parenting role: Implications for psychology and psychotherapy. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, *92*(2), 238-260. https://doi.org/10.1111/papt.12223

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of child and family studies*, *28*(1), 168-181. https://doi.org/10.1007/s10826-018-1242-x.

Low, S. Y. A. (2021). *Emotional processes in online parent learning: examining the impact of shame and countering self-related appraisals on parent learning outcomes* (Doctoral dissertation, University of British Columbia).

Matalinares-Calvet, M. L., Díaz-Acosta, A. G., Rivas-Díaz, L. H., Arenas-Iparraguirre, C. A., Baca-Romero, D., Raymundo-Villalva, O., & Rodas-Vera, N. (2019). Dysfunctional parenting styles, empathy and socio-demographic variables in Nursing, Human Medicine and Psychology students. *Acta Colombiana de Psicología*, *22*(2), 99-124.https://doi.org/10.14718/acp.2019.22.2.6

McManus, K. C., Pillow, D. R., & Coyle, T. R. (2022). Narcissism and academic performance: A case of suppression. *Personality and Individual Differences*, *199*, 111820. https://doi.org/10.1016/j.paid.2022.111820

Mitra, P., & Fluyau, D. (2020). Narcissistic Personality Disorder. *Treasure Island (FL): StatPearlsPublishing*, 21(4), 25-39. https://doi.org/10.1007/s00266-021-02603-x.

Ronningstam, E., & Weinberg, I. (2023). Narcissistic Personality Disorder: Patterns, processes, and Indicators of Change in Long-term Psychotherapy. *Journal of Personality Disorders*, *37*(3), 337-357. https://doi.org/10.1521/pedi.2023.37.3.337

Sedighimornani, N., Rimes, K., & Verplanken, B. (2021). Factors contributing to the experience of shame and shame management: Adverse childhood experiences, peer acceptance, and attachment styles. *The Journal of Social Psychology*, *161*(2), 129-145. https://doi.org/10.1080/00224545.2020.1778616

Smetana, J. G. (2017). Current research on parenting styles, dimensions, and beliefs. *Current opinion in psychology*, *15*, 19-25. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2017.02.012

Soleimani, M., Pincus, A. L., Alizadeh, H., Mohammadi, A., Nokani, M., Paast, N. & Tahmasbi, N. (2022). Five-factor model trait profiles of narcissistic grandiosity and narcissistic vulnerability in Iranian university students. *International Journal of Psychology*, *57*(3), 393-400. https://doi.org/10.1002/ijop.12833

Solomon, J., & George, C. (2021). The attachment antecedents of shame: mothers' representations of the shamed self. *Attachment*, *15*(2), 159-180. 10.5964/ejop.2859

Steele, K. R., Townsend, M. L., & Grenyer, B. F. (2019). Parenting and personality disorder: An overview and meta-synthesis of systematic reviews. *PloS one*, *14*(10), e0223038. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0223038

Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (2011). Working with shame in the therapy hour: Summary and integration. In R. L. Dearing & J.P. Tangney (Eds.), *Shame in the therapy hour*, (pp. 375- 404). Washington, DC : American Psychological Association

van Schie, C. C., Jarman, H. L., Huxley, E., & Grenyer, B. F. (2020). Narcissistic traits in young people: understanding the role of parenting and maltreatment. *Borderline personality disorder and emotion dysregulation*, *7*, 1-10. https://doi.org/10.1186/s40479-020-00125-7.

Weinberg, I., & Ronningstam, E. (2020). Dos and don'ts in treatments of patients with narcissistic personality disorder. *Journal of personality disorders*, *34*(Supplement), 122-142. https://doi.org/10.1521/pedi.2020.34.supp.122

Yakeley, J. (2018). Current understanding of narcissism and narcissistic personality disorder. *BJPsych advances*, *24*(5), 305-315. https://doi.org/10.1192/bja.2018.20

Yamada, F., Kataoka, Y., & Kitamura, T. (2022). Development and Validation of a Short Version of the Primary Scales of the Inventory of Personality Organization: A Study among Japanese University Students. *Psychology*, *13*(6), 872-890. 10.4236/psych.2022.136059

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]